

# استادانه

محتوای خوب از ما، نهره خوب برای شما

خلاصه کتاب درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران ویراست دوم  
دکتر محمدرحیم عیوضی و دکتر محمدجواد هراتی

## دوست عزیزم، خریدار محترم و خواننده گرامی

از اینکه این فایل رو خریداری کردی و داری ارزش استفاده میکنی متشکرم، اما اگه بدون اینکه فایل رو خریداری کنی داری ارزش استفاده میکنی اینو بدون که استادانه برای این فایل خیلی زحمت کشیده و اونو به صورت اختصاصی تولید کرده نه مثل خیلی از سایتها از دیگران کپی کنه برای همین اصلا راضی نیست ارزش استفاده کنی!

اگه دوست داری ارزش استفاده کنی همین الان به سایت استادانه به آدرس زیر برو و مبلغش رو پرداخت کن و با خیال راحت ارزش استفاده کن، کافیه اسم فایل رو داخل سایت سرچ کنی و اونو بخری

[www.OSTADANEH.com](http://www.OSTADANEH.com)



توجه توجه

## فهرست مطالب

- فصل دوم: وضعیت اروپا و ایران در اواخر قرن نوزدهم..... ۶
- فصل سوم: چالش الگوی شبه ترقی غرب گرا و تعالی اسلامی در عصر مشروطه..... ۹
- فصل چهارم: عصر پهلوی، شبه ترقی غرب گرا و باستان گرایی..... ۱۱
- فصل پنجم: روند تکاملی الگوی «پیشرفت و تعالی» و شکل گیری انقلاب..... ۱۸
- فصل ششم: انقلاب اسلامی؛ هویت خواهی و استقلال طلبی..... ۳۲
- فصل هفتم: تحلیلی بر تحولات دوران تثبیت و تداوم انقلاب اسلامی..... ۳۷
- فصل هشتم: دستاوردهای انقلاب اسلامی..... ۴۳
- فصل نهم: آینده انقلاب اسلامی؛ فرصتها و چالشها..... ۵۰

## فصل اول: تعریف مفاهیم و عوامل شکل گیری انقلابها

### الف) چپستی انقلاب

انقلاب از نظر وازگانی بهمعنای تغییر، تحول، برگشتگی و تبدیل و از نظر سیاسی بهمعنای اقدام عدهای برای براندازی و ایجاد حکومتی جدید است. هریک از نویسندگان داخلی و خارجی متناسب با دیدگاه خود، درباره انقلاب توضیحاتی دادهاند که به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

### ب) تعاریف مختلف از انقلاب

هانا آرنه توضیح می‌دهد که واژه "انقلاب" ابتدا در اخترشناسی به معنای حرکت منظم ستارگان استفاده می‌شد و بعدها در قرن هفدهم وارد ادبیات سیاسی شد. این واژه به تغییرات سیاسی، گذار از کشاورزی به صنعتی شدن و شهرنشینی اشاره دارد. شهید مطهری انقلاب را طغیان مردم علیه نظام حاکم برای ایجاد نظم مطلوب می‌داند که بر دو ریشه اصلی نارضایتی از وضع موجود و آرمان وضع مطلوب استوار است. شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر نیز انقلاب را جنبشی بنیادین بر پایه اصول مکتبی برای تغییر ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی تعریف می‌کند. از دیدگاه جامعه‌شناسی، ساموئل هانتینگتون انقلاب را دگرگونی سریع، بنیادین و خشونت‌آمیز در ارزش‌ها، نهادها و ساختارهای اجتماعی-سیاسی می‌داند. او انقلاب را از اصلاحات و شورش‌های محدود متمایز می‌سازد. در کل، انقلاب به معنای تغییر در ساختار حاکمیت و اجتماعی است.

### ج) گونه‌های مختلف انقلاب

انقلاب‌ها را می‌توان به دو دسته "انقلاب‌های سیاسی" و "انقلاب‌های اجتماعی" تقسیم کرد. انقلاب سیاسی تنها ساختار حکومت را تغییر می‌دهد و ساختارهای اجتماعی را دست‌نخورده باقی می‌گذارد. اما انقلاب اجتماعی به دگرگونی سریع و بنیادین در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه همراه با مشارکت عمومی مردم اطلاق می‌شود. انقلاب‌های اجتماعی، با وجود نادر بودن، تأثیرات عمیقی در سطوح داخلی و بین‌المللی دارند و گاهی موجب ظهور الگوها و اندیشه‌های جهانی می‌شوند، به‌ویژه در کشورهایی با اهمیت جغرافیایی، غنای فرهنگی، و وسعت قابل توجه. انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یکی از انقلاب‌های بزرگ اجتماعی جهان شناخته می‌شود که بسیاری از پژوهشگران به بررسی آن پرداخته‌اند. از این‌رو، مطالعه انقلاب‌های اجتماعی، به‌ویژه انقلاب اسلامی ایران، اهمیت زیادی دارد.

### د) خصوصیات انقلابها

ویژگی‌های انقلاب‌های اجتماعی که آنها را از دیگر تحولات متمایز می‌کند عبارت‌اند از:

۱. **مراحل چندگانه:** شامل براندازی، انتقال قدرت، پاکسازی حکومت قبلی، و تثبیت نظام جدید.
۲. **روند طولانی شکل‌گیری:** با وجود وقوع ناگهانی، فرآیند شکل‌گیری انقلاب به‌طور کلی زمان‌بر است.
۳. **استفاده متقابل از خشونت:** حکومت و انقلابیون هر دو به اعمال زور متوسل می‌شوند.
۴. **بسیج گسترده مردمی:** بخش عمده‌ای از جمعیت در انقلاب به‌طور مؤثر مشارکت می‌کنند.
۵. **نقش سازماندهی، رهبری و ایدئولوژی:** ایدئولوژی قوی‌تر به بسیج گسترده‌تر گروه‌ها منجر می‌شود.
۶. **تغییرات زیربنایی:** انقلاب‌ها ارزش‌های جدیدی را جایگزین ارزش‌های قبلی می‌کنند.
۷. **آگاهی مستمر:** ادراک و تحلیل مستمر، پایه‌گذار حرکت‌های تدریجی منجر به انقلاب است.

## ه) تفاوت انقلاب با مفاهیم مشابه اجتماعی

برخی از انواع تحولات اجتماعی از برخی وجوه با انقلاب مشابهت دارند. از اینرو برای پرهیز از خلط مباحث و شناخت دقیقتر پدیده انقلاب، اشاره به تفاوت انقلاب با دیگر مفاهیم مشابه اجتماعی، ضروری مینماید.

### یک. کودتا

کودتا اقدامی نظامی و محدود برای برکناری حاکم فعلی است که با انقلاب تفاوت‌های زیر دارد:

۱. **پایگاه اجتماعی:** کودتاچیان از قدرت حاکم برخاسته و فاقد حمایت مردمی هستند، در حالی که انقلاب توسط مردم و در برابر قدرت حاکم شکل می‌گیرد.
۲. **تغییرات ساختاری:** کودتا به جای تغییر زیرساخت‌ها و ارزش‌ها، تنها افراد حاکم را جایگزین می‌کند، در حالی که انقلاب به دگرگونی عمیق ساختارها می‌پردازد.
۳. **زمان‌بندی:** در کودتا، براندازی و جایگزینی تقریباً همزمان رخ می‌دهد، اما انقلاب معمولاً روندی طولانی‌تر دارد.
۴. **دخالت خارجی:** کودتا اغلب با دخالت نیروهای خارجی همراه است، در حالی که انقلاب معمولاً به‌طور مستقل از عوامل بیگانه انجام می‌شود.

### دو. جنبش

جنبش بستری برای تحول در جامعه است که می‌تواند به انقلاب یا اصلاحات منجر شود. تفاوت اصلی جنبش با انقلاب و اصلاحات در شیوه اجرا، رفتار، و هدف نهایی آن است:

- **رفرم یا اصلاح:** اگر جنبش به تغییرات تدریجی و مسالمت‌آمیز منجر شود.
  - **انقلاب:** اگر جنبش به تغییرات بنیادی و خشونت‌آمیز بینجامد.
- جنبش‌ها با ایجاد آگاهی اجتماعی، زمینه‌ساز انقلاب‌ها در جوامع خواهان تغییر هستند.

### سه. اصلاح

اصلاح یا رفرم به تغییرات تدریجی، مسالمت‌آمیز و روبنایی در نظام اشاره دارد که معمولاً توسط دولت‌مردان و در جوامع متعادل انجام می‌شود.

### ویژگی‌ها و تفاوت با انقلاب:

- **منشأ تغییر:** اصلاحات از سوی حاکمان برای بهبود شرایط یا پیشگیری از انقلاب انجام می‌شود، در حالی که انقلاب از سوی مردم برای براندازی نظام حاکم رخ می‌دهد.
- **شیوه اجرا:** اصلاحات معمولاً بدون خشونت و در فضایی آرام پیش می‌رود، اما انقلاب اغلب با خشونت همراه است.
- **تأثیر بر انقلاب:** اصلاحات ممکن است مانع وقوع انقلاب شود یا در برخی موارد به تسریع آن و فروپاشی رژیم‌ها منجر گردد.

### چهار. شورش

شورش حرکتی مقطعی و اعتراضی است که معمولاً به موضوع یا فرد خاصی در حاکمیت معترض است، نه به ساختارهای اجتماعی یا سیاسی کلان.

### ویژگی‌های اصلی شورش:

- **هدف محدود:** تمرکز بر از میان برداشتن افراد یا مسائل خاص بدون تغییر در ترکیب کلی نظام سیاسی-اجتماعی.

- **عدم برنامه‌ریزی برای آینده:** شورشیان اغلب طرح یا چشم‌اندازی برای تغییرات اساسی ندارند.
  - **ماهیت مقطعی:** اعتراض‌ها محدود به یک بازه زمانی و موضوع خاص است.
  - **سرکوب‌پذیری:** به دلیل نداشتن برنامه مشخص، شورش‌ها معمولاً توسط نظام حاکم سرکوب می‌شوند.
- اگر شورشیان به تغییرات ساختاری و برنامه‌ریزی برای آینده بپردازند، حرکت آنها به انقلاب نزدیک می‌شود.
- (و) شرایط اجتماعی وبسترهای روان شناختی پیدایی انقلاب**
- برای موفقیت یک انقلاب، جامعه باید در شرایطی دوقطبی قرار گیرد، جایی که گروه‌های اجتماعی از نظام سیاسی حاکم جدا شده و در برابر آن ایستادگی کنند. در این وضعیت:
۱. **چالش مشروعیت:** حاکمیت مشروعیت خود را از دست می‌دهد.
  ۲. **دوگانگی قدرت:** نیروهای اجتماعی اعتماد به قدرت خود پیدا کرده و در مقابل نظام قرار می‌گیرند.
- عوامل اصلی ایجاد این شرایط عبارت‌اند از:
- **نارضایتی عمومی:** مردم از وضعیت موجود ناراضی‌اند.
  - **ایدئولوژی جایگزین:** اندیشه‌ای جدید و قابل قبول برای جایگزینی نظام حاکم پدیدار می‌شود.
  - **روحیه انقلابی:** اراده جمعی برای تغییر شکل می‌گیرد.
  - **رهبری مؤثر:** یک رهبر یا گروه پیشرو برای هدایت حرکت انقلابی حضور دارد.
- این شرایط زیربنای موفقیت انقلاب را فراهم می‌کند.
- یک. نارضایتی عمیق از وضع موجود**
- نارضایتی عمیق از وضعیت اجتماعی، نخستین و مهم‌ترین عامل در وقوع انقلاب است که منشأ روان‌شناختی اجتماعی دارد و زمینه‌ساز ظهور سایر عوامل می‌شود.
- ویژگی‌های نارضایتی انقلابی:**
- **گسترده‌گی:** در میان توده‌های وسیع مردمی شکل می‌گیرد.
  - **چندبعدی بودن:** شامل جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و اقتصادی است.
  - **ضرورت پیوستگی عوامل:** نارضایتی به تنهایی منجر به انقلاب نمی‌شود و نیازمند زنجیره‌ای از علل به هم پیوسته است.
- این نارضایتی عمیق، نقطه آغاز فرایندهایی است که در نهایت به انقلاب منجر می‌شوند.
- دو. ظهور و گسترش ایدئولوژی‌های جدید و جایگزین**
- ایدئولوژی جایگزین یکی از عناصر ضروری برای تغییر نظام حکومتی در هر انقلاب است. بدون وجود ایدئولوژی جدید، انقلاب نمی‌تواند شکل گیرد یا به موفقیت دست یابد.
- نقش ایدئولوژی در انقلاب:**
- **ترسیم نظام آرمانی:** ایدئولوژی مشخص می‌کند که نظام جایگزین چه ویژگی‌هایی دارد و چگونه باید به آن دست یافت.
  - **بسیج توده‌ها:** ایدئولوژی سازگار با فرهنگ جامعه، باعث فراگیری سریع‌تر انقلاب و مشارکت گسترده‌تر مردم می‌شود.
  - **ثبات پس از انقلاب:** انقلاب‌هایی با ایدئولوژی واحد، ثبات بیشتری پس از پیروزی دارند.

• **چالش‌های ایدئولوژی‌های متعدد:** تنوع ایدئولوژی‌ها می‌تواند به کاهش وحدت نیروهای انقلابی، درگیری‌های داخلی، و بی‌ثباتی پس از انقلاب منجر شود.

در نتیجه، وجود ایدئولوژی منسجم و هماهنگ با فرهنگ جامعه، عامل کلیدی در موفقیت و پایداری انقلاب است.

## سه. گسترش روحیه انقلابی

روحیه انقلابی مرحله‌ای پیشرفته‌تر از نارضایتی عمومی است که به شکل حس پرخاشگری و مخالفت جدی با نظم سیاسی حاکم بروز می‌کند.

## ویژگی‌های روحیه انقلابی:

- **احساس اعتماد به نفس:** افراد به توانایی خود برای مقابله با حکومت ایمان می‌آورند.
  - **مخالفت با اصلاحات:** روحیه انقلابی باعث رد راه‌حل‌های اصلاح‌گرایانه می‌شود.
  - **ضرورت در توده‌ها و نخبگان:** این حس باید هم در میان نخبگان و هم در میان مردم گسترش یابد.
- عوامل مؤثر بر شدت روحیه انقلابی:**
- **ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی جامعه:** گذشته تاریخی و فرهنگ جامعه در شکل‌دهی به این روحیه نقش دارند.
  - **ایدئولوژی انقلابی:** نوع و جذابیت ایدئولوژی ارائه‌شده، تأثیر مستقیمی بر قوت این روحیه دارد.
  - **عملکرد حکومت:** اقدامات سرکوبگرانه یا شکست‌های پیشین حکومت می‌تواند به تقویت این حس منجر شود.

## چهار. رهبری و نهادهای بسیج‌گر

برای پیروزی انقلاب، رهبری و نهادهای بسیج‌گر نقش اساسی دارند، زیرا:

۱. **هماهنگی عوامل انقلاب:** رهبر باید نارضایتی‌ها، ایدئولوژی جایگزین، و روحیه انقلابی را فعال و سازمان‌دهی کند.
۲. **هدایت حرکت انقلابی:** مدیریت و برنامه‌ریزی حرکت انقلابی نیازمند وجود رهبری قوی است.
۳. **براندازی نظام حاکم:** رهبری مؤثر می‌تواند به تحقق نهایی هدف انقلاب منجر شود.

## انواع رهبری در انقلاب‌ها:

- **رهبری واحد:** مانند امام خمینی در انقلاب اسلامی ایران که در تمام مراحل (پیدایی، پویایی و پایایی) نقش داشت.
  - **رهبری مشترک:** مثل انقلاب فرانسه که توسط رهبران مختلفی مانند میرابو، دانتون و روبسپیر هدایت شد.
  - **رهبری مرحله‌ای:** در هر مرحله، فرد یا گروهی خاص هدایت را بر عهده دارند.
- تمرکز رهبری در انقلاب اسلامی، ویژگی خاصی است که آن را از انقلاب‌های دیگر مانند فرانسه و شوروی متمایز می‌کند.

## فصل دوم: وضعیت اروپا و ایران در اواخر قرن نوزدهم

### مقدمه

برای بررسی زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی، لازم است محیط داخلی و نظام بین‌الملل تحلیل شوند. به‌ویژه، مطالعه وضعیت ایران و اروپا در قرن نوزدهم از منظر قدرت سیاسی، اقتصاد و جریان‌های فکری اهمیت دارد. این بررسی تطبیقی، ماهیت پرسش از عقب‌ماندگی ایران و پاسخ‌های روشنفکران را روشن می‌سازد که نقش مهمی در تحولات تاریخی و فراهم کردن زمینه‌های انقلاب اسلامی داشته است.

### الف) نگاهی به وضعیت اروپا در قرن نوزدهم

نخستین نکته درخور بررسی در قرن نوزدهم، وضعیت ناشی از انقلاب صنعتی و پیشرفتهای تکنولوژی در اروپاست. این پیشرفتهای زمینهای شد برای ایجاد منطقه نفوذ در کشورهای دیگر و ادامه سیاستهای استعماری.

### یک. پیشرفت فناوری و نیاز اروپا به منطقه نفوذ و ادامه سیاست استعماری

اروپای قرن نوزدهم، تحت تأثیر انقلاب صنعتی، پیشرفتهای زیادی در فناوری و تولید داشت. انقلاب صنعتی که از انگلستان آغاز شد، دگرگونی‌هایی عمده در صنعت، کشاورزی، تولید و حمل‌ونقل ایجاد کرد و به تدریج چهره شهرهای اروپایی و آمریکایی را تغییر داد. کارخانه‌های صنعتی جدید که بر نیروی ماشین متکی بودند، برای تولید به مواد خام و برای فروش به بازارهای جدید نیاز داشتند. این نیازها، توجه قدرت‌های استعماری مانند انگلستان، فرانسه و روسیه را به خاورمیانه جلب کرد، زیرا این منطقه دارای منابع نفتی و موقعیت جغرافیایی راهبردی بود. در قرن نوزدهم و بیستم، خاورمیانه زیر سلطه استعمارگران اروپایی قرار گرفت که برای تأمین منافع خود، مرزهای سیاسی و جغرافیایی این کشورها را تغییر دادند و اقتصاد و سیاست آنها را تحت کنترل گرفتند. این تقسیمات اغلب باعث درگیری‌های قومی، مذهبی و سیاسی شد. انگلستان با هدف‌های اقتصادی و سیاسی، به شبه‌قاره هند و افغانستان نفوذ کرد، فرانسه شمال آفریقا را اشغال کرد و روسیه برای دستیابی به خلیج فارس و هند، ایران و آسیای مرکزی را هدف قرار داد. استعمارگران از روش‌هایی چون تغییر فرهنگ و اعتقادات مردم و ایجاد فرقه‌ها برای کنترل جوامع تحت سلطه استفاده کردند. این دوران شاهد سلطه اروپا بر جهان و شکل‌گیری جریان‌هایی در کشورهای مستعمره بود که برخی از آنها پیروی از غرب را راهی برای پیشرفت تلقی می‌کردند.

### دو. تحولات سیاسی وضعف کشورهای اسلامی در برابر غرب

در قرن نوزدهم، جهان با تحولات سیاسی داخلی و تغییرات عمیق در نظام بین‌الملل مواجه بود. انقلاب فرانسه الهام‌بخش جنبش‌های مشروطه‌خواهی در سراسر جهان شد که تغییرات سیاسی را دنبال می‌کردند. در این دوره، امپراتوری عثمانی به‌عنوان بزرگ‌ترین دولت اسلامی پس از خلافت عباسی، تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی، به ضعف گرایید و سرانجام در جنگ جهانی اول سقوط کرد. عثمانی که در قرون سیزدهم و چهاردهم میلادی در آناتولی شکل گرفت و به‌طور گسترده‌ای در اروپا گسترش یافت، با فتح قسطنطنیه در نیمه دوم سده پانزدهم به اوج اقتدار رسید. اما در نتیجه عوامل مختلف، از جمله جنگ‌ها و تحولات خارجی، تجزیه شد و سقوط آن باعث تضعیف بیشتر جهان اسلام در برابر غرب و قدرت‌های اروپایی گردید.

## ب) وضعیت ایران در قرن نوزدهم

پس از آشنایی مختصر با وضعیت جهان در قرن نوزدهم، بجاست اوضاع ایران از نظر ساخت قدرت سیاسی و اجتماعی و نیز وضعیت اقتصادی آن در قرن نوزدهم، به اختصار بررسی شود. پس از آشنایی مختصر با وضعیت جهان در قرن نوزدهم، بجاست اوضاع ایران از نظر ساخت قدرت سیاسی و اجتماعی و نیز وضعیت اقتصادی آن در قرن نوزدهم، به اختصار بررسی شود.

### یک. ساختار اجتماعی و قدرت سیاسی در ایران

در دوران صفویه، هویت ایرانی با تأکید بر مذهب تشیع احیا شد و دولت مستقل شیعی در ایران شکل گرفت. پس از فروپاشی صفویه، حکومتی مبتنی بر رقابت‌های قبیله‌ای شکل گرفت تا اینکه در اواخر قرن هجدهم، قاجاریه قدرت را تثبیت کرد. حکومت قاجار به سلطنت مطلقه و فردمحوری متکی بود، جایی که شاه قدرتی بی‌حد و حصر داشت و هیچ قانونی قدرت او را محدود نمی‌کرد. ساختار اداری قاجار بر سلسله‌مراتبی متصل به شاه استوار بود و نخبگان حاکم شامل اشراف و عمال دولت بودند. شاهان ایالات را در ازای پرداخت پیشکش واگذار می‌کردند، که به ضعف تشکیلات اداری و قضایی و نبود حقوق شهروندی منجر شد. حکومت قاجار ترکیبی از ملوک‌الطوایفی با گرایش به تمرکز و استبداد بود. جامعه نیز با چالش‌هایی چون پایین بودن سطح سواد و نبود امنیت اجتماعی مواجه بود، و بسیاری از مقامات دولتی از دانش و مهارت کافی برخوردار نبودند. این شرایط نارضایتی عمومی و ضعف دولت را تقویت می‌کرد.

### دو. وضعیت اقتصادی ایران

نهادهای اقتصادی ایران در قرن نوزدهم، همانند دیگر نهادها، شرایط نابسامانی داشتند. بیشتر مردم فقیر بودند و مشکلات زیادی برای تأمین معیشت داشتند. این وضعیت گاهی به شورش‌هایی ناشی از کمبود نان، خشکسالی یا احتکار غله منجر می‌شد. اقتصاد ایران در این دوره به سمت تجارت بیشتر، تورم، کاهش ارزش پول ملی و ارتباط فزاینده با اروپا گرایش داشت. سیاست‌های اقتصادی حکومت مبتنی بر تسلیم در برابر فشارهای خارجی و سودجویی مقطعی سران حکومت بود که اثرات سیاسی منفی را تشدید می‌کرد. در مجموع، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم عمدتاً معیشتی و مبتنی بر کشاورزی و صنایع کوچک بود.

### ج) گسترش روابط ایران و غرب و بررسی علل عقب ماندگی ایران

در قرن نوزدهم، سیاست خارجی ایران تحت حکومت قاجار، بیشتر به اعطای امتیازات به قدرت‌های بزرگ مانند روسیه و انگلستان خلاصه می‌شد. این امتیازات اگرچه استقلال کشور را تضعیف کرد، اما به بقای حکومت قاجار کمک نمود. شکست‌های نظامی متوالی ایران از روسیه و انگلستان، وضعیت کشور را به شکل نیمه‌استعماری درآورد. این دوران شاهد گسترش روابط ایران با جهان بود؛ بسیاری از ایرانیان برای کار به کشورهای همسایه مهاجرت کردند و مفاهیمی نوین مانند ترقی، قانون و مطبوعات از طریق ارتباط با خارجی‌ها و سفر روشنفکران به اروپا وارد ایران شد. شکست در جنگ‌های ایران و روس، ایرانیان را به تفکر در مورد علل عقب‌ماندگی واداشت. پاسخ‌ها به این مسئله دو جریان فکری اصلی را شکل داد:

۱. **جریان غرب‌گرا** که معتقد بود پیشرفت تنها از طریق کنار گذاشتن سنت‌های ایرانی و اسلامی و پذیرش

فرهنگ و معرفت غربی ممکن است.

۲. **جریان تعالی‌خواه اسلامی** که پیشرفت را بر پایه آموزه‌های اسلامی و هویت ایرانی-اسلامی می‌دید.

این دو جریان در دوران قاجار و پهلوی نیز به اشکال مختلف ادامه یافتند؛ جریان غرب‌گرا در قاجار با تقلید سطحی از غرب و در پهلوی با تأکید بر باستان‌گرایی ظهور کرد. اما هر دو جریان چالش‌هایی را برای استقلال و هویت ملی به همراه داشتند. نگرش غرب‌گرا به دلیل انحراف از مبانی فرهنگی و اعتقادی، استقلال و هویت ایرانی-اسلامی را خدشه‌دار نمود، درحالی‌که

تعالی خواهی اسلامی بر پیشرفت متناسب با ارزش‌های دینی و فرهنگی تأکید داشت. در این میان، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در نهایت به شکل‌گیری انقلاب اسلامی و منازعه دو الگوی ترقی غرب‌گرا و تعالی اسلامی منجر شد.

## یک. الگوی شبه ترقی غرب‌گرا

با مطرح شدن پرسش از علل عقب‌ماندگی ایران، بسیاری از روشنفکران غرب‌گرا به نسخه‌های غربی برای پیشرفت متوسل شدند و گفتمان مدرنیته را به‌عنوان راه‌حل معرفی کردند. آنان با مشاهده پیشرفت غرب، راه علاج را تقلید کامل از فرهنگ، علم و نظامات غربی دانستند و در این مسیر، گاه سنت‌ها و مقدسات دینی را نیز کنار گذاشتند. روشنفکران غرب‌گرا معتقد بودند پیشرفت ایران تنها از طریق پذیرش بی‌چون‌وچرا علم و فلسفه غربی ممکن است. این نگرش بر پایه نفی سنت و دین قرار داشت، چراکه تصور می‌کردند دین، مشابه نقش کلیسای قرون وسطی در غرب، مانع ترقی است. آنان با رویکردی سنت‌گريزانه، تلاش داشتند جامعه سنتی ایران را با تغییرات بنیادین همراه سازند. این جریان در دوره قاجار و پهلوی به‌ویژه با مفاهیم نوسازی و باستان‌گرایی ادامه یافت و تأکید آن بر هماهنگی کامل با الگوهای غربی بود. نگرش ترقی‌خواهی غرب‌گرا عمدتاً به وابستگی فکری و سیاسی ایران به غرب منجر شد. اجرای سیاست‌های توسعه بر اساس مدل‌های غربی در دوره‌های مشروطه و پهلوی، به وابستگی اقتصادی و فرهنگی کشور انجامید. در دوره مشروطه، این گفتمان در قالب جنبش مشروطه غرب‌گرا ظاهر شد، اما با انحراف از اصول اولیه خود، به ایجاد بستر برای سلطه رضاشاه انجامید. در دوره رضاشاه و محمدرضاشاه، نوسازی بر مبنای الگوهای غربی و با حذف مؤلفه‌های سنتی و اسلامی پیگیری شد که هویت ملی-اسلامی ایران را به چالش کشید. تأکید بر استفاده از الگوهای غربی سبب شکل‌گیری نوعی وابستگی به غرب شد که تهدیدی برای استقلال و هویت فرهنگی ایران محسوب می‌شد. وقوع انقلاب اسلامی، به‌عنوان پاسخی به انحرافات گفتمان شبه‌مدرنیته و غرب‌زدگی، جریان ترقی‌خواهی غرب‌گرا را تضعیف کرد. این انقلاب الگویی مبتنی بر تعالی خواهی اسلامی ارائه داد که تلاش می‌کرد پیشرفت را با تکیه بر ارزش‌های اسلامی-ایرانی و استقلال فکری و فرهنگی محقق سازد. این الگو در تقابل با نگرش غرب‌گرا، بر حفظ سنت‌ها و آموزه‌های دینی تأکید داشت و استقلال و هویت ملی را از چالش‌های وابستگی نجات داد.

## دو. الگوی تعالی اسلامی

در برابر الگوی شبه‌ترقی غرب‌گرا، دیدگاهی شکل گرفت که پیشرفت را در تمسک به آموزه‌های اسلامی و بهره‌گیری از هویت بومی می‌دید. این دیدگاه، برخلاف رویکرد غرب‌گرایانه، پیشرفت‌های علمی و فناوری، قانون‌گرایی و مبارزه با استبداد را ضروری می‌دانست، اما معتقد بود این دستاوردها باید بر پایه‌ای بومی و مبتنی بر هویت ایرانی-اسلامی شکل گیرد. این دیدگاه بر پیشینه تاریخی مسلمانان تکیه داشت، جایی که تمدن اسلامی در دوران طلایی خود به شکوفایی علمی، فرهنگی و اجتماعی دست یافت. از این منظر، عقب‌ماندگی مسلمانان ناشی از دوری از آموزه‌های اسلامی و تسلط استعمار و حاکمان نالایق بود، نه نقصان در فرهنگ اسلامی. بازگشت به این آموزه‌ها به‌عنوان راه نجات و پیشرفت مجدد مطرح شد و متفکران دینی در دو قرن اخیر تلاش کردند تا از این آموزه‌ها برای خروج از بحران استفاده کنند. این حرکت که از آن به "بیداری اسلامی" یاد می‌شود، یکی از عوامل اساسی شکل‌گیری الگوی تعالی اسلامی به‌شمار می‌آید.

در ایران، بیداری اسلامی در جریان جنگ‌های ایران و روسیه و جنبش‌های عدالت‌خواهانه مانند قیام تنباکو و انقلاب مشروطه شکل گرفت. این جریان در دوره پهلوی با مقاومت در برابر رویکردهای غرب‌گرایانه ادامه یافت و با مطرح شدن ایده حکومت اسلامی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، به انقلاب اسلامی منتهی شد. الگوی تعالی اسلامی در تقابل با الگوی شبه‌ترقی، بر دل‌بستگی به فرهنگ اسلامی، حفظ استقلال ملی و مقابله با تسلط بیگانگان تأکید داشت. این الگو هدف خود را احیای تمدن اسلامی و بازگرداندن مسلمانان به جایگاه پیشرفته تمدنی گذشته قرار داده بود. این نگرش بر پیشرفت‌های فناوری و علمی تأکید داشت، اما با رویکردی متفاوت از معرفت‌شناسی غربی. بر اساس الگوی تعالی اسلامی، انسان موجودی است که به دو عالم دنیا و آخرت تعلق دارد؛ بنابراین، پیشرفت‌های مادی باید در خدمت سعادت اخروی نیز باشند. این رویکرد به توسعه‌ای جامع و متعادل توجه دارد که سعادت دنیوی و اخروی را توأمان دنبال می‌کند.



## فصل سوم: چالش الگوی شبه ترقی غرب گرا و تعالی اسلامی در عصر مشروطه

### مقدمه

تحلیل انقلاب اسلامی بر اساس چالش دو الگوی شبه ترقی غرب گرا و تعالی اسلامی مستلزم شناخت تحولات تاریخی است. الگوی شبه ترقی غرب گرا، که در اواخر عصر قاجار و با گسترش ارتباط با غرب شکل گرفت، تقلیدی محض از پیشرفت غرب بود. در مقابل، الگوی تعالی، مبتنی بر مبانی فرهنگی جامعه ایران، فرایند تکاملی خود را از عصر قاجار آغاز کرد و در انقلاب اسلامی ایران به اوج رسید. این فرایند از مقابله با کفر و استعمار آغاز شده و با نفی استبداد، قانون گرایی، هویت خواهی و استقلال طلبی ادامه یافت. این فصل به چالش میان این دو الگو از اواخر قاجار تا حکومت پهلوی می پردازد.

### الف) جنگهای ایران و روسیه و فتوای جهاد

در قرن نوزدهم میلادی، وضعیت سیاسی-اجتماعی ایران و دخالت استعمارگران، به ویژه در جنگهای ایران و روسیه، نقش مهمی در شکل گیری نخستین حرکت های ضد استعماری داشت. علمای شیعه با صدور فتوای جهاد، برای حفظ بلاد اسلامی از تسلط کفار اقدام کردند.

این اقدامات آغازگر احیای روحیه بیداری اسلامی و گسترش حضور علما در سیاست بود. تفکر انقلابی شیعه، مبتنی بر قاعده "نفی سبیل"، در تقابل با استبداد داخلی و استعمار خارجی رشد کرد. شکست های ایران، همراه با تحولات اجتماعی، علمای مذهبی و نیروهای انقلابی را به میدان آورد. این جریان در قیام تنباکو و سپس جنبش عدالت خانه و مشروطیت ادامه یافت، نشان دهنده مخالفت جدی روحانیت با تسلیم در برابر سلطنت بود.

هم زمان، دولتمردانی مانند عباس میرزا، قائم مقام فراهانی، و امیرکبیر اصلاحات غربگرایانه ای را آغاز کردند. باین حال، اقدامات افرادی مانند میرزا حسین خان سپهسالار، به ویژه اعطای امتیازات به خارجیان، موجب اعتراض روحانیان شد. مخالفت روحانیانی چون حاج ملاعلی کنی، به عنوان واکنشی به نفوذ بیگانگان، به نقطه عطفی در چالش میان نهاد دینی و دولت قاجار تبدیل شد و زمینه ساز نهضت های آینده مانند تحریم تنباکو گردید.

### ب) نهضت تنباکو

نهضت تنباکو یکی از گام های مهم در شکل گیری و تکامل الگوی پیشرفت و تعالی بود که بر نفی سلطه بیگانگان تأکید داشت. در سومین سفر ناصرالدین شاه به خارج از کشور (۱۲۶۸ ش)، امتیاز انحصاری خرید و فروش توتون و تنباکو به یک شرکت انگلیسی واگذار شد.

این تصمیم با واکنش های گسترده ای مواجه گردید. در تهران، حاج میرزا حسن آشتیانی و در عراق، حاج میرزا حسن شیرازی رهبری مخالفت ها را بر عهده گرفتند. با صدور فتوای تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی، حکومت در سال ۱۲۷۰ ش، این امتیاز را لغو کرد. نهضت تنباکو به دلیل گستره جغرافیایی، نقش مرجعیت شیعه، وحدت در حرکت، و موفقیت در مقابله با استبداد داخلی و استعمار خارجی، تأثیر بیدارگرانه ای داشت. این حرکت، نخستین رویارویی جدی با استبداد بود و زمینه ساز جنبش های بعدی نظیر نهضت عدالت خانه شد.